



۲۵

سوسیالسم امروز

۲۵ نوامبر ۲۰۱۷ - ۴ آذر ۱۳۹۶

S_zijji@yahoo.se

سرپرست: سلام زیجی

با مبارزه و تلاش گسترده خشونت علیه زنان را باید متحدانه متوقف کرد!

صفحه ۵

جمهوری اسلامی، کربلا، اربعین، و راه پایان دادن به جهالت

صفحه ۶

جنبشهای بورژوا ناسیونالیستی کورد چرا با منافع مردم آزادیخوا در تناقض قرار دارد؟

صفحه ۷

اسلام و تسلیم نقطه مقابل آزادیند قرآن را با زبان مادری بخوانیم

صفحه ۱۰

مشغله های کپک زده استاد طلبه در دانشگاه

صفحه ۱۱

محمود صالحی فعال کارگری آزاد شد

صفحه ۸

روئای گمشده دختران ایرانی!

صفحه ۱۱

پیام تسلیت حزب سوسیالیست انقلابی به رفیق ابراهیم باتمانی
یادداشت تشکر و قدردانی رفیق ابراهیم باتمانی از مردم

صفحه ۱۲

پرسش و پاسخ:
سیاست کلی حزب سوسیالیست انقلابی ایران در باره جنبش کارگری چیست؟

صفحه ۹

نگاهی به چند رویداد مهم هفته:
سالگرد قانون کار ضدکارگری، خامنه ای و زلزله زدگان، حکم "دادگاه عالی فدرال عراق" در باره رفراندوم

سلام زیجی

کارگران و سالگرد قانون کار ضد کارگری جمهوری اسلامی

روز دوشنبه، ۲۹ آبان، به مناسبت بیست و هفتمین سالگرد "قانون کار" جمهوری اسلامی، نهادهای وابسته "کارگری" رژیم، به ویژه دارودسته های خانه کارگر هیاهوی عوامفربیبانه ی راه انداخته اند. جا دارد طبقه کارگر ایران نه تنها توجه ای به آن نداشته باشد بلکه به عنوان عامل سرکوب و فقر و تشدد و مرگ و میر خود به مضحکه سالگرد "قانون کار" برخورد نموده و امثال صادقی ها و خانه کارگر و شورای اسلامی ها را که به این مناسبت از نو دست به تبلیغات و "اعتراضات" عوامفربیبانه زده اند و خود را نماینده کارگران قلمداد میکنند هو کنند. چرا که آنها بخشی از خود رژیم و بانی شرایط به غایت ضد انسانی بوه و هستند که به طبقه کارگر ایران در طول عمر ننگین رژیم و از جمله در این ۲۷ سال که "قانون کار" ضد کارگری وجود داشته بر حیاط طبقه کارگر ایران تحمیل گردیده است.

پس از انقلاب ۵۷ و بعد از به قدرت رسیدن حکومت ضد کارگری جمهوری اسلامی، اصلاح قانون ضد کارگری دوره شاه بنا به فشار طبقه کارگر اما بدون دخالت خود طبقه کارگر و

صفحه ۲

کارگران جهان متحد شوید!



نمایندگان واقعی آنها در دستور کار رژیم اسلامی قرار گرفت. اما بعد از سرکوب طبقه کارگر و روند انقلاب ۵۷ توسط رژیم اسلامی زمینه مساعد تری به نفع سرمایه داران و اسلاميون و توده ای و اکثریتی های همراهشان فراهم گردید. بدین ترتیب قانون کار به مراتب ارتجاعی تر از دوره شاه به طبقه کارگر ایران تحمیل گردید.

از ابوالحسن بنی صدر و احمد توکلی و موسوی و معماران دست راستی "قانون کار" نویسان اوایل دهه اول قیام ۵۷ (به دلیل اعتراض کارگران دولت آن را پس گرفت و طی سالهای ۵۸ تا ۶۹ عملاً قانون کاری در ایران وجود نداشت) تا مجلس سوم و شورای نگهبان و از مجمع تشخیص مصلحت نظام تا روح الله خمینی "مستضعف پناه" همه در جهت تصویب قانون کار عمیقاً ضد کارگری علیه طبقه کارگر ایران، طبقه ای که در سرنگونی رژیم شاه مستبد نقش محوری داشت، دست داشته اند. در این پروسه نیز هر "اصلاحیه ای" از جمله که در هر دو "دولت" دست راستی و ضد کارگری احمدی نژاد و روحانی صورت گرفته یا در صدد اصلاح آن بر آمده اند همچنان در جهت تداوم فشار بر کارگران، ایجاد سلب قدرت اعتراض و مقابله برای پس گرفتن حداقل حقوق و تحرک و امنیت طبقه کارگر و کمک به آزادی عمل و چهار نعل جلو رفتن کارفرما و دولت و استثمارگران داخلی و خارجی پیش رفته است.

در سایه جمهوری اسلامی و "قانون کار اسلامی"، طبقه کار ایران، که بنا به گفته رسمی خود مقامات ایرانی حداقل ۴۲ میلیون کارگر و خانواده کارگری در ایران وجود دارد، و بنیاد ثروت و دارائی ها و زندگی کل کشور را می سازند و تامین میکند اما خود کاملاً از این دستاوردها محروم گشته است، بطور واقعی در بیشتر زمینه ها حتی در موقعیت زندگی "کارگر مزدی" رایج در نظامهای حاکم سرمایه داری هم نیستند، برعکس از هر نظر به موقعیت "بردگان مزدی" رانده شده اند. هر جناحی که درون کشمکشهای رژیم ادعای "پوپولیستی"، "اصلاح طلبی"، "اعتدال" گرایی و "مستضعف پناهی" بیشتری داشته است بیش از هر جناح و فردی سیاست خود را بر اساس ریاضت کشی عریانتر اقتصادی و خالی تر کردن سفر بی رونق طبقه چند ده میلیونی کارگران تزئین نموده است و بدینوسیله به تداوم حاکمیت این نظام پوسیده و قرون وسطی اسلامی و حاکمیت طبقه بورژواها و یک مشت کانگستر اسلامی مسلح و آدمکش در ایران کمک نموده اند.

دارودسته های خانه کارگر و شورای اسلامی در نمایش سالگرد قانون کار رژیمشان



در تمام طول عمر این رژیم و از جمله در پروسه ۲۷ سال وجود "قانون کار" طبقه کارگر ایران حتی یک روز هم نه از نظر امنیتی، دستمزد و رفاه، کار و بیمه بیکاری، و نه در زمینه حق الیه تشکلیابی و اعتراض و اعتصاب، آرامش و زندگی بدون درد و مشقت تجربه نکرده است! اعدام، شلاق و تازیانه بر پشت کارگر زدن، زنجیر کردن دست و پا، فشار مستمر و کشتن فعالین در زندان، آتش گشودن به تظاهرات کارگری، تحمیل بیکاری و گرسنگی و همان کودکانی کار و خیابانی که خودشان شرم نمی کنند می گویند به ۹۰ درصد آنها تجاوز جنسی میشود، خود کشی بخاطر فقر و یاس و بلاخره مرگ و میر هر روزه در محل کار و دها مصیبت دیگر از جمله زندگی و تجربه تلخ کارگر در سایه حاکمیت سیاه اسلامی و قانون کار مصوب سرمایه داران حاکم بر ایران بوده و میباشد.

در کنار سرکوب بی وقفه روانه کردن نهادهای دولتی مانند شورای اسلامی و خانه کارگر و انجمن های صنفی و شورایعالی کار همه به منظور نفوذ از "درون به جنبش کارگری"، کنترل و به انقیاد کشاندن کارگر ایران و به تمکین کشاندن آنها به زیر سایه همین قانون کار و فراهم کردن شرایط کار بردگی دهها میلیون انسان کارگر تا از قبل تلاش و کار شبانه روزی آنها یک مشت دولتی بی سروپا و آخوند و تروریست مسلح و همچنین سرمایه داران مسلمان و غیر مسلمان و نظام سرمایه داری حاکم بیش از پیش سود آفرینی کور و بی انتها بدست آورد و بدین طریق حاکمیت خود را تداوم دهند.

آمارهای میلیونی وحشتناک رسمی دولتی در باره اعتیاد، کودکان کار و خیابانی، بیکار سازیها، حاشیه نشینی ها، بیسوادی وسیع، مرگ و میر هر روزه در محل کار، فقر دستمزد بردگی چهار تا پنج برابر زیر خط فقر اعلام شده خود دولت، نبود آزادی برای ایجاد تشکل مستقل از دولت، ممنوعیت حزب سیاسی، نداشتن حق برگزاری اول مه مستقل از دولت و نابرابری فاحش حقوق بین کارگران زن و مرد، تحمیل برنامه ریزی شده بسیج گیری در میان کارگران گرسنه، اجبار کردن سنن و قوانین پوسیده



آزادی، برابری، حکومت کارگری!

اسلامی به ویژه علیه زنان کارگر، ندادن حتی دستمزد و حقوق کار انجام شده چندین ماهه و بعضا نزدیک به دو سال، بدون اینکه کارفرما هیچ فشاری روی خودش حس کند، و بلاخره انواع دردها و رنج های بیشمار دیگری که همه و همه ناشی از وجود چنین رژیم و قانون کار ضد کارگری است. جمهوری اسلامی از راه تحمیل چنین موقعیت دشواری به طبقه کارگر راه اسب دوانی و تحمیل خود به کل جامعه را فراهم تر کرده است و در این راه هر روز هزارها انسان کارگر و زحمتکش را به کام مرگ فرو میبرد.

در آستانه مبارزه برای افزایش حداقل دستمزد سال ۹۷، که طبق همین قانون کار، از جمله ماده ۳۸ و ۴۱ و دیگر ماده های که گویا به "نفع کارگر" است هر بار وحشیانه ترین سطح معیشت و دستمزد به همین ۴۲ میلیون انسان شریف جامعه ایران تحمیل میکنند، جا دارد طبقه کارگر ایران علیه این قانون ضد کارگری به میدان بیایند!

کارگران ایران را فرا میخوانیم همانند دهه اول انقلاب به میدان بیایند و تن به هیچ شکلی از قانون کار رژیم اسلامی سرمایه داران ندهند، در این دوره راه مبارزه مشترک با طرح واحد مطالبات از جمله حول افزایش دستمزد کارگران از مجرای دور زدن همین قانون کار و کلیه نهادهای ضد کارگری وابسته به رژیم می گذرد، جنبش سوسیالیستی درون طبقه کارگر وظیفه عبور دادن کل طبقه کارگر از این دوره از مبارزه سخت و جانانه برای عقب راندن جمهوری اسلامی را بر عهده دارد.

طبقه کارگر ایران هیچ راهی جز پایان دادن به حاکمیت این نظام سرپا ضد کارگری و ضد انسانی ندارد! طبقه کارگر ایران از مجرای ایجاد فوری تشکل های توده ای مستقل از دولت و روی آوری گسترده به سیاست و اهداف سوسیالیستی و حزب سوسیالیست انقلابی خواهد توانست قدمهای موثری برای پایان دادن به این تاریخ طولانی و مملو از جنایت و سرکوب و استثمار وحشیانه اعمال شده از جانب جمهوری اسلامی و طبقه سرمایه دار بردارد.
رفقا در این مسیر مبارزاتی ما در کنار لحظه به لحظه نبرد طبقاتی شما قرار داریم!

خامنه ای و زلزله زدگان

علی خامنه ای از زلزله زدگان خواست تنها به خود امید ببندند

منتشر شده در 20-11-2017 • روزنامه نده در 20-11-2017 ساعت 11:55 بامداد ناصر اعشاری



آیت الله علی خامنه ای بیت ره این بریل ذهب

خامنه ای، این سر دسته سرمایه داران استثمارگر و دزد و رهبر اسلامی های فاسد و تروریست، بعد از هشت روز از وقوع زلزله و نظارگر بودن و رها کردن عامدانه و بیشرمانه هزاران انسان لت و پار شده و بی سرپناه، از سوی بیت رهبری و دولت و نهادهای تحت حاکمیتش، بلاخره به "فکر" مردم افتادند و تشریف فرما شدند و "سرزده" وارد سرپل ذهاب شدند، تا با بیان یک مشت اراجیف اسلامی و

دروغ بافی از دامنه خشم عمیق و برحق نه تنها زلزله زدگان که اکثریت انسانهای شرافتمند و نگران جامعه ایران علیه نظام کتافتش بکاهد. او با حقه بازی از "قانع نبودن تلاشها" سخن به میان آورد، اما فراموش نمی کند که از مطلع بودنش از "کمک سپاه" در روستاها یاد آور شوند! این آخوند بیمار و تروریست! از "ارسال کمک به هر نقطه از جهان"، که منظورش همان کمکهای تروریستی و جنگ و ویرانگی راه انداختن است، هر

لحظه در حال تلاس و در جریان قرار دارند، اما اینکار که بعد از ۸ روز از وقوع فاجعه زلزله تازگی از "کمبودها" مطلع شده اند. او حداقل در باره آخوندهای هم مسلک خود که زلزله را مجازات الهی اعلام کردند، و روزه خواندن که این اتفاق به دلیل حمایت مردم از رفراندوم کردستان عراق صورت گرفته چنین بلای سرشان آمده و همینطور لشکر کشی نظامی و حضور مقامات تروریست سپاه و بسیج در منطقه را نه برای کمک به مردم که اساسا برای کنترل فوران خشم مردم آسیب دیده و بقیه شهرها از نظام اسلامی صورت گفت را حتما خیر کامل داشتند، پس چرا اظهار نظری در این موارد نکردند؟ چرا از جزئیات کمکهای اقتصادی و تسلیحاتی و تروریستی به همپالگیهای خود در عراق و سوریه و لبنان و یمن خیر کامل و هر لحظه ای دارند که "خوب" عمل میکنند، اما ایشان در مقام "رهبر" ایران از بیخبری و کندی اقدامات برای زلزله ای که همه را لرزاند، بعد از ۸ روز شرم نمی کنند که به دروغ از "قانع نبودن کمکهای دولت خود شکوه دارند؟! "

آزادی، برابری، رفاه، امنیت!

واقیعت های دیگری این سردسته اوباشان را به منطقه زلزله زده کرمانشاه کشاند! هیچ ربطی به همدردی با مردم زلزله زده نداشت و ندارد! اساساً نه با آن مردم و نه هیچ بخشی از شهروندان شرافتمند که مادام به نیروی فاسد آنها تبدیل نشده باشند هیچگاه نه اهمیت داده اند و نه همدردشان بوده اند! خامنه ای شدیداً نگران خروشان یک حرکت توده ای و اعتراضی بود علیه نظامش در اعتراض به عدم همکاری حاکمیتش با آسیب دیدگان، آمد که فضا را "آرام" کند، آمد تا نظام فاسدش را تبرئه کند و مشتکی دروغ تحول افکار عمومی بدهند.

به ویژه پس از آنکه متوجه شدند که حتی روحانی نیز نه تنها نتوانستند از خشم و نفرت همگانی بکاهند، که با موج فزاینده اعتراض زلزله زدگان و جامعه روبرو شده اند، وقتی متوجه شدند موج گسترده ای علیه نه تنها عدم همکاری ارگانها و نیروهای مسلح و غیر مسلح که همچنین علیه دزدیهای اجناس و ممانعت از کمک مردمی که به طرف قربانیان زلزله از جانب همان نیروهای دولتی باعث گردیده که خشم مردم به اوج خود برسد، وقتی دید جامعه از رفتار حاکمیت در ایجاد ممانعت کمکهای انسانی خارجی نیز به خشم آمده اند، وقتی متوجه شدند که همین زلزله زدگان با وجود بی توجهی نظام اسلامی بی شرم و ضد انسانی با موجی از همبستگی انسانی و کمک رسانی از کلیه شهرهای ایران و کردستان و منطقه و خارج کشور روبرو گردیده اند، وقتی فهمید که با هر کاروانی از کمک رسانیهای "مردمی" دامنه نفرت و فحش و انزجار از نظامش عمیق و عمیقتر میگردد، تصمیم گرفت "سرزده" وارد منطقه شود و تلاش کند ورق را برگرداند، یا حداقل از زینهای آن برای نظامش بکاهد. و البته موفق نشد! از این رو در میان یک تجمع از آخوند و پاسدار و مزدور حاضر میشوند و برای مردمی که فرسنگها آنطرف تر نظارگر سفسطه های "رهبر" بودند فرموده بودند. "چشم امید را به نیرو، و تلاش و قدرت خود معطوف کنند. این اساس پیام بیشرمانه این رهبر فاسد بود که بر عکس هدفی که از سفرش داشت بیش از پیش واقیعت ماهیت و چهره کریه چنین نظامی را بر همگان عریانتر کرد! و سفر و سخنان "طلائی رهبر" بیش از پیش به عمق نارضایتی و تنفر اجتماعی علیه کل بساط نظام اسلامی افزود.

خامنه ای سرکرده جلاان را به همراه کل سران و نظام و حامیانش باید به زبیل دان تاریخ انداخت! جناب آیت الله ننگت باد!



حکم "دادگاه عالی فدرال عراق" و دریغ از یک جو شرف!

"دادگاه عالی فدرال عراق"، روز دوشنبه بیست ونهم آبان، (۲۰ نوامبر ۲۰۱۷) با صدور حکمی، همه پرسی در اقلیم کردستان را، که بیست و پنجم سپتامبر با بیش از ۹۱ درصد رای شهروندان به جدائی داده بودند، حکمی بغایت ارتجاعی و غیر قابل قبول صادر کرده است که ضروری است از نطفه بر بی ارزش و وارونه بودن چنین قضاوتی از جانب هر انسان و نیروی آزادیخواهی تاکید گردد.

صادر کنندگان چنین حکمی اگر سر سوزن به عدالت و به منافع شهروندان متکی و متعهد میبودند نمی بایست علیه رفراندومی که بدون هیچ گونه خشونت صورت گرفت، و علیه شهروندانی که از حق اولیه شهروندی خود برای گرفتن یک تصمیم تاریخی در جهت پایان دادن به همین نوع قضاوتها و سرکوبگریهای یکطرفه و ناعادلانه در کمال آرامش به رای خود متکی شدند چنین احکامی صادر میکرد. این "دادگاه" اگر از حداقلی از شرف و قضاوت درست برخوردار میبود، بر عکس میبایست عمل میکرد. در مقابل این حق اولیه شهروندی می بایست علیه لشکرکشی و تحمیل جنگ و جنایت زیادی که از جانب دولت عراق، ایران، امریکا و ترکیه و احزاب نزدیک به آنها برای به شکست کشاندن چنین اقدامی به جامعه تحمیل شد حکم ارتکاب شدن به جنایت جنگی علیه آنها صادر میکرد. اما روشن است چنین انتظاری از دادگاه دولت اسلامی و شونیست و قلدر و آدمکش نه در عراق و نه در ایران و نه در هیچ جای که چنین نظامهای فاشیستی حاکم هستند قابل تصور نیست!

اینکه تعدادی به اسم "دادگاه فدرال عراق" دور هم جمع شده اند و بنا به توصیه دولت حاکم، همان دولتی که قبل از "رای دادگاه" با سازماندهی کشتار و لشکرکشی "رای" خود را صادر کرده بود اگر چه شبیه جوک است اما بنظر من به ویژه به دلیل ناتوانی و زبونی ناسیونالیسم و بورژوازی کرد حاکم در کردستان عراق میتواند به مرور پیامدهای جدی و منفی بیشتری برای حق شهروندان رای دهنده و کل جامعه عراق و کردستان عراق در برداشته باشد از این جهت جای تامل و عکس العمل جدی است.

ما در اینجا در باره کلیه جوانب این تلاش جنایتکارانه علیه حق اولیه شهروندان کردستان عراق و اینکه چرا باید همچنان بر استقلال از عراق پای فشرده و چگونه باید به سیاست و احزاب چپ و سوسیالیستی و سکولار متکی بود برای به سر انجام رساندن آن پروسه بیشتر مواضع روشن و سوسیالیستی خود را گفته بودیم و در اینجا نیازی به تکرار آن نیست. اما لازم به تاکید است که در باره تصمیم چنین "دادگاهی" چند نکته را تاکید کرد:

- دادگاه دولتی که نان و حقوق مردم، رای و رفراندوم شهروندان، و خواست و مطالبه اولیه در آن جامعه را بعداز سرکوب



با مبارزه و تلاش گسترده خشونت علیه زنان را باید متحدانه متوقف کرد!

د.حقیقی

در سال ۱۹۶۱ میلادی جمهوری دومینیکن، سه خواهر اهل این کشور (خواهران میرابل) را پس از ماه‌ها شکنجه، به جرم شرکت در فعالیت‌های سیاسی علیه رژیم دیکتاتوری حاکم بر دومینیکن، به شیوه وحشیانه‌ای به قتل رساندند.

این سه زن انقلابی به عنوان سمبل "مبارزه در راه آزادی" با لقب "پروانه‌های فراموش نشدنی" برای همیشه نامشان در تاریخ جنبش مبارزه برای رهایی زن ثبت شده است. زنان و انسان‌های آزاده هر سال در روز ۲۵ نوامبر انواع خشونت‌هایی را که از طرف جامعه مردسالار سرمایه‌داری و اسلامی، در محیط‌های کار، اجتماع و خانواده بر آن‌ها اعمال می‌شود، با انجام تظاهرات، گردهم‌آبی و دادن بیانیه و... محکوم می‌کنند.

۲۱ سال بعد از این واقعه، طی یک همایش بزرگ در شهر بوگوتا، پایتخت کشور کلمبیا، با شرکت "مدافعان حقوق زنان" در آمریکای لاتین، برای نخستین بار پیشنهاد اختصاص دادن روز قتل خواهران میرابل به "روز منع خشونت علیه زنان" مطرح شد. مبنای پیشنهاد مذکور روی دو اصل استوار بود:

اول، احترام به تلاش و جسارت خواهران میرابل، دوم، میل و سوق افکار عمومی به سوی منع خشونت علیه زنان.

در نتیجه تلاش و مبارزه پیگیر سازمان‌های مدافع حقوق زنان و فشار افکار بشریت عدالتخواه جهان بود که در ۱۷ دسامبر ۱۹۹۹، مجمع عمومی سازمان ملل با صدور قطع‌نامه‌ای، ۲۵ نوامبر برابر با (۴ آذر) را به عنوان "روز جهانی محو خشونت علیه زنان" اعلام کرد.

از سال ۲۰۰۰ به اینطرف دولتهایی که مفاد اعلامیه "روز جهانی محو خشونت علیه زنان" را پذیرفته‌اند به این مناسبت مراسم‌هایی برگزار می‌کنند. اما مقامات جمهوری اسلامی مفاد اعلامیه مزبور را مغایر با قوانین و فرهنگ اسلام می‌دانند. دولتهایی که مفاد اعلامیه خشونت علیه زنان را پذیرفته‌اند، اعمال خشونت بر زنان را امری فردی و یا ناشی از فرهنگ و سنت تلقی کرده و به اصطلاح به جنگ آن رفته‌اند. طبعاً آنها در اشاره به فرهنگ و سنت خشونت‌زا به مذاهب نپرداخته‌اند که تنبیه زن را مجاز شمرده‌اند. اما از آنجا که عامل اصلی و عامل بقای فرهنگ ضد زن و مردسالار خود سیستم سرمایه‌داری است که دولتهای مورد اشاره خدمتگزار آنند، اقدامات آنها هیچگاه در جهت ریشه کن کردن اعمال خشونت علیه زنان نبوده است. خشونت علیه زنان در خانه، محیط کار و در مجامع عمومی را میتوان به شکلهای گوناگون دسته بندی کرد. خشونت‌های لفظی، خشونت فیزیکی، خشونت روانی، خشونت جنسی، خشونت اقتصادی و ممانعت از رشد فکری و معنوی زنان، ممانعت از رشد اجتماعی، و ایجاد محدودیت در امر تحصیل، کاریابی و اشتغال اشکال مختلفی از اعمال خشونت علیه زنان هستند.

خونین از جانب نیروهایش و با همکاری چند دولت از نوع خود جواب داده و بعد آمده‌اند در قالب "دادگاه"، دفاع از "قانون"، و "تمامیت ارضی" قد علم می‌کنند و احکام صادر می‌کنند، تنها میتوان در پاسخشان گفت شما غلط میکنید! با صراحت به همه این مقدسات ارتجاعی، که از سوی کلیه حاکمین زورگو و فاشیست در جهت منافع حاکمیت زورگویانه خود هر بار می‌آیند به این خرافات و مقدسات دروغین پناه می‌برند تا خواست خود را بر جامعه و معترضین تحمیل کنند، باید نه بزرگ داده شود. نه خاک، نه تمامیت ارضی، نه ملت، نه میهن، و نه هیچ نوع دین و ناسیونالیسمی پیشیزی ارزش ندارند! اینها فقط واژه‌های برای فریب و پوششی برای استتار حقیقت‌های اجتماعی و طبقاتی‌اند! ابزارهای ایدئولوژیکی ارتجاع و سرمایه‌داران هستند برای فریب و رام کردن جامعه در جهت اعمال حاکمیت و استثمار ظالمانه طبقه معینی، طبقه سرمایه‌دار و زورگویان مورد بهره‌برداری قرار گرفته شده و می‌گیرد. حکم این دادگاه نیز بخشی از این ابزار خونین و ضد انسانی علیه حق شهروندی و آزادی انسان است.

۲- غیر قابل تحمل است وقتی دیده میشود در مقام "دادگاه" یک کشور، که مدعی "عدالت" نیز باشد، چنین احکامی را از آنها پذیرفت، به ویژه وقتی که همین "دادگاه" دولت مرتجعین زورگو در باره همین رویداد مورد مناقشه چشم و گوش و شرافتش را از جنایت ارتش اسلامی عراق، حشد شعبی، به آتش کشیدن و سرقت اموال شهروندان، از تحمیل جنگ و کشته شدن صدها و هزارها انسان و آواره کردن ده‌ها هزار انسان دیگر، و به گروه گرفتن نان و زندگی یک جامعه چند میلیونی، فریز کرده باشد!

۳- اگر تا دیروز کشتار و زورگویی و لشکر کشی و غیره حقانیت جدا شدن از کشور عراق را برای شهروندان کرد زبان موجه کرده بود، بنظر من حکم این "دادگاه" نیز یکبار دیگر بر حقانیت رای شهروندان که خواهان جدائی از چنین سیستم و دولتی هستند صحنه می‌گذارد و باید این شهروندان مورد حمایت مستمر افکار مترقی جهانی و نیروهای مترقی و سوسیالیست قرار بگیرند.

۴- افکار عمومی جهان و عراق و کردستان عراق و منطقه را به اعلام مخالفت خود از تصمیم آن "دادگاه" شونیستی-ضد مردمی و حلقه بگوش دولت جنایتکار اسلامی حاکم بر عراق را فرا می‌خوانیم.

۵- نباید اجازه داد احزاب ناسیونالیسم کرد این پدیده را نیز به مناسبت و دروازه‌ای برای تسلیم شدن بیشتر در مقابل دولت فاشیست عراق، و به بازی گرفتن بیشتر سرنوشت رفراندوم شهروندان و رای به جدائی را به مسیر سازش و معامله و شکستهای بیشتری علیه جامعه کردستان عراق سوق دهند.

بر قرار باد جمهوری سوسیالیستی!

جمهوری اسلامی، کربلا، اربعین، و راه پایان دادن به جهالت

آذر کیمیا

دولت خودش میگوید که چهل در صد (در واقع بیش از ۵۰ درصد) مردم ایران زیر خط فقر (گرسنه و در تنگنا شدید اقتصادی قرار گرفتند) هستند ولی همین دولت فرش قرمز پهن میکند تا قریب به "دومیلیون" نفر برای مراسم "اربعین" به عراق بروند! مصیبت مردم ایران آن است که برای رژیم بیگانه اند زیرا رژیم وابسته و عزادار به حسین و عباس و صغرا و سکینه است. در حالی که اکثریت مردم شرافتمند ایران نه تنها هیچ تعلق به اربعین و حسن و حسین و عباس ها ندارند که خود ویران شده دست این فرهنگ وارداتی هستند.

در بسیاری نقاط مانند سیستان و بلوچستان فقر و درماندگی کولاک می کند. میلوونها انسان بیکار شده، کارتون خواب، معتاد، تن فروش و کودکان کار و خیابانی در کشور وجود دارد که هیچ امنیت اقتصادی ندارند. بالاترین دلیل فقر مردم ایران در درجه نخست گرانی مسکن و انگاه خوراک است این در حالی است که ایران یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان بوده و میزان و نفت و گاز

آن نسبت به وسعت ایران درجه دوم در جهان و از نظر سر شار بودن ارکانهای زیر زمینی نیز بسیار غنی و برتر از بسیاری کشورهای دیگر است. پس چرا مردم ما این چنین فقیر و درمانده است؟ علت را باید در رژیم نامربوط به شهروندان ایرانی و استفاده چی از همه ایران و ثروتش برای گسترش ایدئولوژی قرون وسطی ۱۴۰۰ ساله و صدور آن به منطقه و جهان باید جستجو کرد.

رژیمی که به حال حسن و حسین و زینب و کبرا و دیگر تازیان دشمنان اصلی بشریت و غارتگران ۱۴۰۰ ساله کشور مان اشک می ریزند و شماری از امت خرد باخته و گروهی خود فروش مزدور را به دنبال خود به راه انداخته است. رژیمی که کشور و کارها را برای دو ماه جهنمی محرم و صفر و یک ماه تازی و غیر ایرانی رمضان و روزهای بیشمار دیگری از سال برای مرگ قنبر و چنبر تعطیل و ملت را و مانده و سر گردان می سازد. بیشتر مردم در ایران از بی مسکنی در بدترین شرایط به سر برده و شکم های فرزندان خود را نمی تواند سیر کنند انگاه رژیم ضد انسانی ولایت وقیح برای حسین و

موسی کاظم و دیگر مردگان تازی می کند و بار گاه طلا می سازد. رژیم تازی زاده ای که جشن های طبییحی مردمی و ایرانی را به زیر پا لگد کوب کرده و سرمایه کشور را در خدمت تازیان و به صرف مردگان آنان می رساند.

فرستادن دو میلیون زوار به کربلا را با تبلیغات سنگین و برای مردم گمراه و انهایی که گوش به رادیو ها و چشم به تلویزیون های رژیم دارند انست که ۲۰ میلیون با پای پیاده راهی کربلا هستند. در درجه نخست رژیم با این تبلیغات چندش اور و دروغ وحشتناک که بیست میلیون پای پیاده به عراق می روند چه سودی در بر دارد پاسخ این است که با اینکار روز به روز مردم ساده دل و نا آگاه ایران به خرافات و مزخرفات مذهبی که از سوی رژیم تبلیغ می شود بیشتر پای بند شده است که در گل فرو نشسته و فرهنگ انسانی خود را باخته و فراموش کرده است و در بست خرافات آنان شده است.

حقیقت آن است که رژیم برای گسترش میدان تاخت و تاز و گمراهی و تحمیل هر چه بیشتر خود نخست از مزدوران و وابستگان خود و سپس با تبلیغات بسیار و کمک های پولی گروهی که از اموال بقیه شهروندان که اهل این بازار گرمی ارتجاعی اسلامی نیستند صرف میکنند، و برخی از مردم

نا آگاه نیز با هزینه خود راهی نجف کرده و با بوق و کرنا به گوش مردم ایران فرو می کند که چهار میلیون و در نزد عوام و کم اطلاع ۲۰ میلیون با پای پیاده راهی کربلا اند.

واقعیت انست که نه چهار میلیونی درست است و نه پای پیاده رژیم گویا با زور و تزویر و هزاران فوت و فن توانسته برای تحمیر و گمراهی هر چه بیشتر مردم گروهی را با تسهیلات خوب روانه نجف کند و منظور از پای پیاده هم برای گروهی از شیعیان از نجف به کربلا است که شاید ۱۵ ساعت راه باشد و بیشتر خود عراقی ها شرکت دارند تا از کشورهای های دیگر. در این مسیر کوتاه نیز همه گونه امکانات رفاهی و بهداشتی از سوی رژیم حسن و حسین و عباس و فاطمیون های قرن ارتجاع تهیه و آماده شده است. آن دسته از ملت نادان و گمراه شده ایران که گوش خود را در برابر دهان کثیف اخوند مزدور گرفته و به تبلیغات او گوش فرا می دهد و "بستر اجتماعی" شده اند در دست رژیم اسلامی که برای حسین قاتل نه تنها ده روز محرم که مملکتی را تعطیل کرده و در غم و اندوه نگاه داشته بلکه برای چهلین مرگ آن تازی ضد ایرانی نیز زانوی غم بغل می گیرند و سوگواری می کنند.

با مبارزه و تلاش گسترده ...

روز جهانی رفع خشونت علیه زنان در حالی فرا می رسد که آمار سازمان ملل متحد نشانگر آن است که ۳۵ درصد زنان جهان تجربه خشونت جسمی یا جنسی را دارند، ۷۰۰ میلیون از زنان جهان در سنین کودکی ازدواج کرده اند و بیش از ۱۳۳ میلیون از دختران و زنان تجربه منته سازی اندام جنسی شان را (که از آن به نادرستی به عنوان ختنه زنان یاد می شود) داشته اند. خشونت علیه زن مرزی نمی شناسد و به عنوان یک پدیده زشت اجتماعی، کل جهان را در نور دیده و تاریخی هزاران ساله دارد، اما امروز نیز نظام سرمایه داری عصر ما عامل بقای آن است. به همین اعتبار خشونت علیه زن با همه زشتی هایش یک پدیده اجتماعی است و مثل هر پدیده اجتماعی دیگر باید بستر باز تولید آن را شناخت و بر حسب ویژگی هایش به اشکالی سازمان یافته و در ابعادی اجتماعی برای مبارزه علیه آن نیروی زنان و مردان آزاده و برابری طلب را بسیج کرد.

زنده باد سوسیالیسم!



جنبش‌های بورژوا ناسیونالیستی کورد چرا با منافع مردم آزادیخوا در تناقض قرار دارد؟

تینا خلیفه ای

جنبش و نیروی که به یک طبقه و قشر سیاسی خاصی ربط داشته باشد سعی میکند همه را در جهت تقویت آن هدف خاص به خدمت بگیرد. از این رو جنبش بورژوازی کورد و ناسیونالیسم کورد هم در طول تاریخ خود، مانند هر جنبش بورژوازی و ناسیونالیستی "ملت" دیگری، چنین عمل کرده است. یک جنبش بورژوازی که شعار ناسیونالیستی را در دست داشته باشد قطعاً نمیتواند و نمی‌خواهد برای آزادی جنبشی دیگر مانند کارگران و زنان و قشر زحمتکشان آزادی و رفاه و دستاوردی کسب کند، حتی اگر این قشر از مردم هم همراه آن جنبش و احزاب نیز باشند. جوان خود در پی کسب حاکمیتی هستند که تا کنون دولتهای سرکوبگر مرکزی طبقات دارا اعمال کرده و میکنند. این دلیل محوری این امر واقعی است که چنین جنبشی منافعش با منافع مردم آزادیخواه، از جمله کارگر و زحمتکش که هزار و یک درد و مطالبه دارد هیچگاه یکسان نبوده و نخواهد بود.

در این بستر دلیل و عواملهای دیگری نیز عمل میکنند. از جمله میتواند این باشد که این جنبشها و احزاب آنها جنبشها و احزاب موجودیت خواه و قوم‌گرا به دنبال ناسیونالیسم تهاجمی هستند. که هر یک دیگری را نفی و خواهان از راه به در کردن آن است و از

ایا مثلا در هند روز در گذشت نادر شاه افشار یا هر کس دیگری در تاریخ جامعه ایران را روز "عزای ملی" اعلام می‌کنند که ما روز کشته شدن حسین ابن علی را روز گریه و زاری و ماتم کرده ایم؟ ایا یهودیان جهان روز خود کشی هیتلر را به سوگواری می‌نشینند که ما باید برای حسین و علی و خمینی یا هر "رهبر و امام" قاتل اسلامیون عزاداری کنیم؟ پس چرا مردم خرد باخته و تحمیر شده ایران با وجود این همه فقر و سرکوب و چپاول و زیستن در زیر خط فقر و فساد و دزد های بیکران و همه جانبه رژیم بخشا همچنان کور و کر با برنامه های چنین نظام فاسدی همراهی میکنند؟ و چرا آن دست از مردم گوش به تبلیغات اخوند های بی شرف و جنایتکار میدهند و خود را به آب و آتش زده برای چهلمین روز گور به گور شدن حسین ابن علی قاتل؟ چرا باید به این شکل قبیح راهی کربل شوند؟ ایا اینکار پشت کردن به شرافت و آزادیخواهی و تلاش و مبارزه تاکنونی دهها میلیون انسان قربانی دست همین رژیم نگل مذهبی نیست؟

ما باید ابتدا به دانش مسلح بشویم که بتوانیم با عقلانیت و تفکر به درجه ای از رشد برسیم که نظر جدید خلق کنیم. تئوری راهنمای افکار هست ولی واقعیت جامعه را تنها با تلاش سیاسی-اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی همگانی و با همراهی با آرمان رهای بشریت یعنی آرمان بدون جهالت و مذاهب و قوم پرستی و آرمان آزادی و برابری و سوسیالیسم میتوان هم این رژیم را از سر راه برداشت و هم ریشه این همه جهالت و عقب ماندگی را خشکاند. پیش به سوی این آلترناتیو!

جمهوری اسلام، کربلا...
آن دسته از ملت نادان و گمراه شده ایران که گوش خود را در برابر دهان کثیف اخوند مزدور گرفته و به تبلیغات او گوش فرا می‌دهد و "بستر اجتماعی" شده اند در دست رژیم اسلامی که برای حسین قاتل نه تنها ده روز محرم که مملکتی را تعطیل کرده و در غم و اندوه نگاه داشته بلکه برای چهلمین مرگ ان تازی ضد ایرانی نیز زانوی غم بغل می‌گیرند و سوگواری می‌کنند. به راستی مایه خجالت و شرمندگی است برای اینهمه حماقت و بی اطلاعی و گمراهی نسلی از مردم ایران که در دام این امامان و مذاهب ضد بشری افتاده اند.

برای اثبات جایگاه ضد انسانی حسین به نوشته یکی از معتبر ترین تاریخ نویسان اسلامی رجوع می‌کنیم که در جلد پنجم تاریخ طبری ص ۲۱۱۶ چنین گزارش شده یکی از شهر های کرانه جنوب شرقی دریای خزر شهر تمیشه بود که به سختی با سپاه اسلام نبرد می‌کرد شعید ابن عاص شهر را محاصره کرد و انگاه که اذوقه شهر به اتمام رسید مردم از گرسنگی زنهار(امان) خواستند به ان شرط که سپاه سعید ابن عاص مردمان شهر را نکشد لیکن بعد از عقد قرار داد سعید تمام مردمان شهر را به جز یک نفر را در دره ای گرد آورد و تمام افراد شهر را از لب تیغ گذراند. در این کشتار عبدالله پسر عمر عبدالله پسر عباس عبدالله پسر زبیر حسن ابن علی امام حسین در راس لشکر اسلام قرار داشتند.

حسین ابن علی قاتل مردم ایران ولی مورد ستایش بخشی از همین مردم است!

همبستگی و صمیمیت خبری نیست و تنها مبارزه ای رقابتی و تبلیغاتی در میان آن ها خو میگیرد. ترس از انتقاد و تغییر فرهنگ های چند هزار ساله ی هر قومیت و ملیت نیز میتواند برای آن ها ایدئولوژی خطرناک و پاکبیری را به ذهنشان قفل کند که از هرگونه عمل و عکس العملی در رابطه با پیروان یا مردمانشان بازدارد.

کلیه کشورهای منطقه به نوعی بر اساس رویکرد ناسیونالیستی یا مذهبی به جامعه و حاکمیت نگاه میکنند، ایران، عراق، عربستان، ترکیه، اسرائیل کشورهای عربی ووو. اما سه تن از کشورهای و اقلیمهای خاصی هستند که احزاب بورژوازی ناسیونالیستی را سیستم اصلی کشوداری کرده اند و احزاب و فرهنگ و گذشته و قوم و نصبه پرستی خود را اصل و بنیان حکمرانیشان میندازند. ترکیه، ازبایجان و دیگری اقلیم کردستان. در ترکیه تصفیه‌های گسترده ماه‌های گذشته به دستگیری، بیکاری و اخراج صدها تن از کارمندان دولت، معلمان، استادان دانشگاه و قضات و برخی فرماندهان و اعضای ارتش و همچنین دستگیری نمایندگان مجلس و روزنامه‌نگاران انجامید.

نه قومی، نه مذهبی، زنده باد هویت انسانی!

جنبشهای بورژوا ...

در کنار آن، سرکوب در مناطق کردنشین ادامه داشت و رجب طیب اردوغان نیز به دنبال تغییر قانون اساسی و قبضه کامل قدرت رفت. بازگشت به امپراتوری عثمانی به روئیی آنها تبدیل شده است.

چندی پیش در باکو نیز دادگاهی تشکیل شد و تعدادی از متهمان مذهبی در این دادگاه، احکام زندان طولانی مدت (از ۲۰ سال تا ۱۰ سال) دریافت کردند. در همین دادگاه، معاون حزب جبهه خلق آذربایجان-از احزاب سکولار اپوزیسیون- نیز به ده سال زندان محکوم شد. البته تنها مخالفان مذهبی و یا احزاب متشکل اپوزیسیون نیستند که در آذربایجان سرکوب می‌شوند. چندی، که بر روی مجسمه حیدر علی‌اف شعار نوشته بودند، در دادگاهی مشابه به ۱۰ سال زندان محکوم شدند. آنها در روز تولد حیدر علی‌اف (پدر رئیس جمهور کنونی) بر روی مجسمه او نوشته بودند: "روز بردگی مبارک باد".

یا ایران که با نام "فارس" و با هویت ناسیونالیسم ایرانی و مذهبی هرگونه مخالفت را سرکوب میکند. از مخالفت کارگری گرفته تا اعتراض برای دستمزد، تا مخالف دانشجویی برای شهریه ی زیاد دانشگاه یا اعتراض زنان بر علیه تبعیض. اینها بیشتر برای کسانی صدق میکند که علیه دولت هستند یا نه مذهب و ریشه شان فرق دارد. مانند "کرد" ها "بلوچ" ها "ترک" ها و ... احزاب اپوزیسیون ناسیونالیست ایرانی هم چنین رویکردی دارند. گویا که

اولویت جنبش‌های قومی ایران، نه دموکراسی و حقوق برابر همه انسان‌ها، بلکه کوشش برای زایش نوعی از ناسیونالیسم تهاجمی و بر تری طلبی شده است. این برخورد گزینشی با سرکوب و خشونت، و اعمال استانداردهای دوگانه در مواجهه با آن، علاوه بر آنکه موجب بی‌اعتمادی به نیروهای تحول‌خواه منطقه شده، تصویر آینده این منطقه را نیز تاریک کرده است. قبیله‌گرایی‌های مذهبی یا قومی، موجب شده است که زشتی استبداد و سرکوب، نه در واقعیت آن، بلکه تنها در چهره حاکم مستبد و سرکوبگر خلاصه شود.

ظاهراً هدف نهایی این کشمکش‌ها و "مبارزات" نیز آن است که مستبندی را کنار زده و مستبد دیگری را جایگزین کنند: از قبیله شما نباشد، بلکه از قبیله ما باشد. ما جنبش‌های مدنی و هویت‌طلب انسانی در میان اقلیت‌ها، اگر بخواهند که کوشش‌های آنان، منجر به زایش استبدادی جدید نشود، و هیولای هولناک جدیدی سر بر نیآورد، چاره‌ای ندارند جز آنکه "انسان" و حقوق او را بر هر مفهوم ذهنی دیگری اولویت دهند. خطر اصلی آنجا است که تلاش برای خروج از بیراهه اسلام سیاسی، منجر به حرکت در کج‌راهه ناسیونالیسم تهاجمی شود. اگر من به دلیل اصل و نصب و قومیت خودم بخواهم يك حکومت مستبد و دیکتاتور راه بندازم فرقی با هیچ دیکتاتوری دیگری ندارم اگر به خاطر قومیت خاصی و نژاد پرستی بخواهم که بقیه قومیت ها مانند فارس ترك بلوچ ترکمن عرب و افغان را قبول نداشته باشم هیچ تفاوتی با فاشیست های حاکم بر ایران و ترکیه و ... نخواهم داشت. يك دیکتاتور اگر کورد، لر، بلوچ،

ترك، ترکمن، عرب، یا افغان زبان باشد باز هم يك دیکتاتور است و مایه افتخار هیچ انسان آزادیخواهی نیست.

با گشودن راهی جدید، می‌توان از کج‌راهه ناسیونالیسم حاکم و اپوزیسیون دوری کرد، تا راه اعمال قدرت برای "مردم" فراهم شود. اولویت دادن به هر نوع ایدئولوژی که بر مبنای تبعیض و برتری‌جویی بنا شود، بحران ما را عمیق‌تر کرده و راه آینده را پیچیده‌تر خواهد کرد. از این جهت است که باید در عمل نشان داد، اولویت ما پیش از دین و پیش از قومیت و ملیت و خاک، همانا "انسان" است. حرمت به "عینیت انسان"، می‌تواند ورای مرزهای قراردادی و فراتر از ایده ذهنی و ساختگی دین یا ملت قرار گیرد. در نتیجه تا زمانی که جامعه ما از جمله جامعه کرد نشین تحت تسلط این بخش از نیروهای قومی و بورژوازی باشند، حتی اگر حکومت "ملی" هم مانند بقیه تشکیل داده شود نمیتوان به آزادی و برابری و خوشبختی انسانها رسید.

دلیل اصلی بیگانه بودن جنبش بورژوا ناسیونالیستی با منفعت توده کارگر و زحمتکش در همینجا است که نفس برابر بودن انسان هدف و رسالت آنها نیست! بلکه مانند خود مذهب قرون وسطی به گروه خون و قومیت کار دارند و از این حربه برای رسیدن به قدرت قشر خاصی که همان سرمایه داران و زورگویان باشد استفاده میکنند، درست مانند واقعیت اقلیم کردستان عراق و دیگر دولتهای قومی و اسلامی حاکم در عراق و ایران و عربستان و ترکیه و غیره.

راه رهای انسان در گرو پیروزی اهداف انسانی و سوسیالیستی و بدور از توجه به خرافه پرستی دینی و قومی است.

اطلاعیه شماره ۱۴ کمیته دفاع از محمود صالحی کارگران! تشکلهای کارگری و انسانهای آزادیخواه! محمود صالحی فعال کارگری آزاد شد.

از تلاش‌ها و حمایت‌هایتان قدردانی می‌کنیم. محمود صالحی از فعالین سرشناس جنبش کارگری ایران که توسط شعبه ۴ دادگاه تجدید نظر استان کردستان به یکسال حبس تعزیری محکوم و در تاریخ ۶ آبانماه ۹۶ بطرفیت، از سوی دادرسی عمومی و انقلاب سقز بازداشت و روانه زندان شد. همانگونه که در اطلاعیه‌های قبلی به اطلاع عموم رسانده بودیم، محمود صالحی در شرایطی به حبس محکوم شده بود که پزشکی قانونی سقز طی نامه شماره ۳۳۳۹/۲۳۹۶ بتاريخ ۱۳ آبانماه بعلت نارسایی کلیوی پیشرفته و بیماری شدید قلبی رای به عدم توان تحمل حبس توسط ایشان داده و پرونده وی را به دادگاه سقز ارسال کرده بود. اما، دادگاه مورد نظر به علت ناتوانی در تصمیم‌گیری، پرونده را به شعبه ۴ دادگاه تجدید نظر استان کردستان ارجاع دادند. در نتیجه، این شعبه حکم یکسال زندان نامبرده را به وجه نقد به مبلغ ۳۰۰۰۰۰۰۰ ریال (۳ میلیون تومان) تبدیل کردند. روز دوم آذرماه و بعداز ۲۴ روز زندان تحت شرایط نامناسب و بر متن یک مبارزه گسترده در داخل و خارج برای آزادی محمود صالحی، به دنبال پرداخت این مبلغ حکم آزادی ایشان صادر و ساعت ۲ بعدازظهر همان روز از زندان آزاد شد. ما آزادی محمود صالحی را به خانواده محمود صالحی، دوستان و یارانش و به طبقه کارگران ایران تبریک گفته و خواهان آزادی بی‌قید و شرط کلیه فعالین کارگری زندانی و زندانیان سیاسی هستیم.

کمیته دفاع از محمود صالحی سوم آذرماه ۱۳۹۶ برابر با ۲۴ نوامبر ۲۰۱۷ میلادی

شماره تماس با سخنگوی کمیته دفاع از محمود صالحی ۰۹۱۸۴۳۸۴۳۵



پرسش و پاسخ:

ستون پاسخ رهبری حزب سوسیالیست انقلابی به پرسشهای

عزیز آجیکند

سیاست کلی حزب سوسیالیست انقلابی ایران در باره جنبش کارگری چیست؟

حزب ما سیاست بسیار روشنی در این باره دارد، که میتوان با مراجعه به اسناد مصوب و دیگر مطالب که از طریق همین نشریه منتشر میگردد به آنها دست رسی پیدا کرد. در اینجا علاوه بر یاد آوری مجدد بخشی از آن سیاستها در پاسخ به پرسش دوستان گرامی نکاتی را توضیح خواهم داد.

جنبش کارگری و طبقه کارگر در ایران، در حالی با بورژوازی حاکم و سازمان سیاسیاش در حاکمیت، دست به گریبان است که متاسفانه از هر نظر از تناسب قوای مناسبی برخوردار نیست. و این شرایط با وجود مبارزه بی وقفه و رزمنده آن جنبش به درازای چهاردهه در ایران در جریان بوده است. با وجود واقعیت نابرابر بودن این تناسب قوا اما مبارز برحق کارگری در زیر فشار و سرکوب مستمر ارتجاع اسلامی به عنوان روزهی مثبت در جدال کل جامعه علیه نظام مستبد سرمایه داری و اسلامیهها برای خیلها مبدل گردیده است. یعنی پتانسل انقلابی و اعتراض و نخواستن کارگران به حکم شرایط طبقاتی این جنبش در جامعه ایران قبل از هر جنبشی دیگری سر زنده تر و مستمرتر ادامه داشته و دارد. سنگینی و فراگیری این خیزش عظیم، در کوتاه مدت در سال گذشته، به ویژه در دوره ای که فشار اقتصادی و به گروه گرفتن نان و معیشت آن طبقه از طرف دولت سرمایه داری اسلامی به مرحله غیر قابل تحمل رسیده است، شتاب اعتراضات و سازمانیابی طبقاتی و انقلابی کارگران و تهی دستان شهر و روستا را زیر تاثیر قرار داده است.

در طول این سالها به خصوص سالهای اخیر پیکار طبقاتی هرچند تدافعی، اما با همبستگی و گسترش دیگری همراه بوده است. رزمندگی کارگران، رویارویی با سرمایه داران، روشها و به کارگیری شیوههای ابتکاری در بخشهای مختلف در اعتراضات کارگری در گوشه و کنار ایران گویای راهکارهای تازه جنبش کارگری در ایران می باشند. گسترش دستگیریهای فعالین کارگری، نیز گویای ترس حاکمیت از عروج جنبش اعتراضی کارگران است. همزمان اگر به روند مبارزات طبقاتی کارگران در سه دهه گذشته بنگریم، افت و خیزهایی به چشم میخورد. بعد از یک دوره افت مبارزات کارگری، امروز رشد و گسترش اعتراضات و اعتصابات روزمره کارگران را مشاهده می کنیم. که البته برای گسترش بیشتر و پیروزی آن باید به اتحاد بیشتر و سیاست روشنتر طبقاتی و سوسیالیستی متکی شد تا بتوان اعتراضات و مبارزات کنونی را به سر انجام رساند و فشار حاکمیت و نیروهای زرد دست ساز دولت که مانع سر راه این مبارزه هستند خنثی نمود.

اما با همه اینها متاسفانه تا به امروز هم طبقه کارگر ایران همه ظرفیتهای مبارزات اعتراضی خود را برای تامین خواستههای بدست نیاورده است. پراکندگی و نبودن تشکلهای کارگری که کارگران پراکنده در این واحدها را دور هم جمع کند، به نوبه خود بر سطح مبارزات کارگری در ایران تاثیر گذاشته است.

بیکاری و عدم امنیت شغلی، وجود ارتش ذخیره گسترده ای از بیکاران که در حاشیه شهرها و در روستاها زندگی می کنند، به کارفرمایان و دولت امکان داده است که شمشیر بیکاری را برای به تمکین کشاندن کارگران، بالای سر آنها نگاه دارند. در حالی که از بیمه بیکاری و وجود منبع دیگری برای امرار معاش خانواده

کارگری خبری نیست، پذیرفتن ریسک بیکاری را بسیار دشوارتر کرده است. متاسفانه امروز شوراها اسلامی کار و خانه کارگر و انجمن چنی ها توانسته اند نقش مهمی در کنترل اعتراضات کارگری بر عهده دارند. که همه این مسائل تاثیرات زیانباری را به جنبش کارگری در ایران زده است.

بحران اقتصادی نظام سرمایه داری و تعرض همه جانبه رژیم جمهوری اسلامی به طبقه کارگر، کار و زندگی کارگران را با دشواری های روزافزون و جانفرسائی روبرو ساخته است. بیکارسازی های مداوم، عدم امنیت شغلی، رواج گسترده قراردادهای کاری کوتاه مدت و "سفید امضاء" سقوط دستمزدهای واقعی و عدم پرداخت به موقع همین دستمزدهای ناچیز، افزایش قیمت کالاهای اساسی، افزایش ساعات کار روزانه، همه اینها طبقه کارگر ایران را در یکی از دشوارترین دوره های حیات خود قرار داده است.

بر متن مبارزات جاری کارگران فعالین و رهبرانی پرورده شده اند که با شناخت از منافع آتی و دراز مدت طبقه کارگر و مرزبندی روشنی که با استراتژی سیاسی و عملکردهای گرایش رفرمیستی و سندیکالیستی درون جنبش کارگری دارند، سوسیالیسم را افق مبارزه خود قرار داده اند. مبارزات جاری کارگران با تمام اهمیتی که دارد، فقط با دخالت آگاهانه و نقشه مند این طیف پیشروان کمونیست جنبش کارگری است که می تواند در راستای تشکل یابی طبقاتی، تحزب یابی و اهداف درازمدت تر طبقه می کارگر قرار گیرد و به شکل گیری بدیل سوسیالیستی به عنوان یک آلترناتیو عملی و در دسترس یاری رساند. تنها با دخالت نقشه مند و مسئولانه در این روند

و پافشاری بر سیاست های کارگری و سوسیالیستی است که می توان اعتماد بخش وسیعی از فعالین و رهبران کارگری را جلب نمود و به شکلی عینی در رهبری سیاسی جنبش کارگری و دیگر جنبش های پیشرو اجتماعی قرار گرفت.

تردیدی نیست که برپائی تشکل های توده ای و طبقاتی کارگران نقش عظیمی در تغییر توازن قوا به نفع طبقه می کارگر در مبارزه علیه سرمایه داری و رژیم آن را خواهد داشت. اما طبقه کارگر از طریق حزب سیاسی خود که به بخش جدائی ناپذیری از جنبش اجتماعی این طبقه و تشکل های طبقاتی آن تبدیل شده باشد، می تواند انقلاب کارگری را سازمان دهد، قدرت سیاسی را تسخیر کند و دست اندرکار استقرار سوسیالیسم شود. طبقه می کارگر بدون متشکل شدن در حزب سیاسی کمونیستی خود قادر به همراه کردن دیگر جنبش های پیشرو اجتماعی، رهبری سیاسی جامعه و تسخیر قدرت سیاسی نخواهد شد.

ما فکر میکنیم که فعالان و پیشروان کمونیست جنبش کارگری، ضروری است به حضور فعالانه در مبارزه ای که در حال حاضر در جریان است، برای خیزش جنبش کارگری خود را آماده کنند و پیشروی آن جنبش را در گروه نقش پیشرو این طیف و جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر میدانیم. ما ضمن اینکه خود را حزب کل طبقه می دانیم اما فکر میکنیم

نه قومی نه مذهبی، آزادی برابری

اسلام و تسلیم نقطه مقابل آزادیند (قرآن را بازبان مادری بخوانیم)

سهراب کرمانشانی

سوره بقره (آیه ۳۰):
"بیاد آر آنگاه که پروردگارتو به ملائکه فرمود من در زمین خلیفه بر گمارم ملائکه گفتند پروردگار میخواهی کسانی را بگماری که فساد کنند در زمین و خونها بریزند و حال آنکه ما خودتورا تسبیح و تقدیس میکنیم. خداوند فرمود من میدانم چیزی که شما نمیدانید..."

آیه قبلی (۲۹) که پراز دروغ و نیرنگ بود زمین را مسطح خواند پس از خلقت آن آسمان و هفت آسمان دیگر را بنهاد هم اکنون به شیوایی دیگر میخواهد به بشر چیزی را تحمیل کند که در خواب آنرا دیده و نه در بیداری و در عالم تخیل برای انسان قابل پذیرش است. مخاطب نیروی برتر انسان است و به او میگوید بیاد آور که پروردگار توبه ملائکه چنین فرمود و فرشتگان دربار خود را در جریان خلقت آدم و هوا قرار داد اگر نیروی فوق هستی خود میدانم چکار کند دیگر چه نیازی به مشورت با ملائکه است پس نتیجه میگیریم که تمامی این داستان‌سراییهها جهت حکومت فرد بر افراد بوده و هیچگونه نوشته و کتابی از آسمان به زمین نازل نشده و ادیان آسمانی بزرگترین دروغ تاریخند.

(آیه ۳۱): "...و خدای عالم همه اسماء را به آدم تعلیم فرمود آنگاه حقایق آن اسماء را در نظر فرشتگان پدید آورد و فرمود خبر دهید مرا به اسماء اینان اگر راست میگویید..."

آیه سی و یک میخواهد بشر را به اعماق تخیل خود برده و تفکر او را تسخیر کند تا مجالی برای احقاق حق خود که همانا زندگی ربه پیشرفت است را نداشته باشد. در اینجا مترجم قرآن کریم مهدی الهی قمشه ای است و هنوز درک واقعی خدا را نمیفهمد خدا از خود آگاهی آمده یعنی به خود آمدن، بهتر بود که در اینجا نام الله یا (رب) را مینوشت که براننده همان مردم صدر اسلام بودند...

(آیه ۳۲): "فرشتگان عرضه داشتند ای زدا تو پاک و منزهی ما نمی دانیم چیزی جز آنچه تو خود به ما تعلیم فرمودی تویی دانا و حکیم...". آیه ۳۱ و ۳۲ به نحوی نیروی برتر فرشتگان را در دفاع از انسان به مبارزه اندیشه و توان فیزیکی دعوت میکند که در اینجا موجودات تخیلی فضایی کم آورده اند و طلب پوزش از نیروی مافوق خود را دارند! به حق چیزهای ندیده و نشنیده!!

(آیه ۳۳): "...خداوند فرمود ای آدم ملائکه را بحقایق این اسماء آگاه ساز پس چون آدم ملائکه را بدان آگاه ساخت خدا به ملائکه فرمود نگفتم به شما من میدانم هر آنچه راکه آشکار و پنهان دارید...". در اینجا نویسنده کتاب میخواهد که انسان احساس بالندگی داشته باشد تا اینکه خود را حقیر و کوچک نداند ولی چیزی که برایم قابل فهم نیست مشورت نیروی برتر و التماس او از فرشتگان خداست و به اینصورت وانمود میکند که اینان در یک شرکت سهامی مشغول بکارند و مدیر و هیئت مدیره دارد!!

(آیه ۳۴): "...و چون گفتیم فرشتگان را که سجده کنید بر آدم همه سجده کردند مگر شیطان که ابا و تکبر کرد و از فرقه کافران گردید..."

این بار نوبت دشمن فرضی است. اهریمن ساختگی که در خواب هم یک بار او را زیارت نکرده ایم و او را از هم کیشان من میخوانند. اینگونه نتیجه میگیریم که تواناییها و ارزشها از آن الله است و ناتوانیها و نقصها از آن ابلیس نیروی تخیلی و جادویی که اگر من مرتکب اشتباه یا گناه شدم مقصر اصلی رخنه کردن فرشته رانده شده از سوی نیروی مافوق است و اگر خدمتی با ارزش نمودم از آن ربناست، پس نقش کلیدی انسان نادیده گرفته میشود عجب رحمان و عجب رحیمی!!

(آیه ۳۵): "... و گفتم که ای آدم تو با جفت خود در بهشت رایگان و بی زحمت جای گزینید و بخورید از اطعمه بهشت از هر چه میخواهید و نزدیک نشوید به این درخت (گندم یاسیب) که (اگر نزدیک این درخت شوید) از جمله ستمکاران خواهید بود...". توجیه و بهانه های الله بی حد و مرز و تنبیهاتش در هفت آسمان نظیرش را ندیده ایم. این همه بخشش در مقابل یک خطای کوچک و ناچیز نسل بشر را در روی زمین به بیرحمانه ترین شیوه شکنجه و آزار روح و جسمی میرساند، قصه کم کم داره جالب میشه!!

(آیه ۳۶): "... پس شیطان آدم و حوا را به لغزش افکند و خوردند از آن درخت و بدین عصبان هردو را از آن بیرون کرد و گفتیم به آدم و حوا فرود آید از بهشت که برخی از شما برخی را دشمنید و شما را در زمین آرامگاه و آسایش خواهد بود تا روز مرگ...". اگر الله شما اینهمه آگاه و توانا و عادل و مهربان است چرا گذاشت شیطان انسان را به لغزش و آدارد. در ثانی مگر خوردن سیب یا گندم آنهم از نوع درخت چه تاثیر بدی در آدم و حوا میگذارد.

چرا پس از آن بشر را ارشاد نکردید حال میگویید زمین آرامگاه و آسایش انسانهاست. زمینی که در اثر بلایای طبیعی و فروگردسنگی سرما و گرما و بیماریهای کشنده روزانه هزاران نفر را به کام مرگ میکشانند، و روشنفکران دینی

و اصولگرایان و اعتدالگرایان دینی روزی باید پاسخگوی انحرافات دینی به مردم و از جمله فرزندان خود شوند. آیا وقت آن نرسیده که بدون وضو و شهادت و بدون شک و تردید صفحات این کتاب را کنکاش و آنرا مورد نقد و بررسی قرار دهیم... به امید پیروزی و چیره شدن توانایی بر ناتوانی و حاکمیت تعقل بر احساسات غیر واقعی.

زنده باد کارگر، نابود باد حاکمیت دینی، زنده باد حزب سوسیالیست انقلابی ایران

سیاست کلی حزب سوسیالیست...

→ رمز پیشروی مبارزه سیاسی اقتصادی کارگر در گرو نقش گرایش رادیکال سوسیالیستی و کمونیستی صفوف طبقه است، در گرو ایجاد تشکلهای و سازمانهایی است که متعلق به سنتهای مبارزاتی آن گرایش و جنبش پیشرو مطالباتی و سیاسی جنبش کارگری است، از اینرو سیاست پایه و کلیدی کار ما تقویت محافل پیشرو کارگری و گرایش سوسیالیست امر اول فعالیت حزب ما خواهد بود. در این راستا نقد تشکلهای راست سوسیالیست، تشکلهای ارتجاعی دست ساخت دولت مانند شورای اسلامی، خانه کارگر و انجمن صنفی ها و وظیفه محوری خود می دانیم. حزب ما خود محصول این خط و گرایش و از طرف فعالین کمونیست داخل و خارج کشوری این جنبش پیشرو تشکیل شده است. نفس این اتفاق یکی از تفاوتهای بنیادی ما با جریانات اپوزیسیون چپ خارج کشوری است.

حزب ما نه فقط از نظر برنامه و اهداف سیاست کارگری روشن سوسیالیستی دارد، حتی از نظر عملی و ترکیب نیروی انسانی تشکیل دهندگان آن نیز جزو احزاب استثنائی است که از طرف کارگران صادق و راستین کمونیست و سوسیالیست و فعالین و جوانان چپ و انقلابی تشکیل شده است، این حزب واقعی طبقه کارگر و محرومان و استثمار شوندهگان جامعه ایران، حزب سوسیالیسم فوری و حزب انقلاب کارگری است.

کارگران! حزب سوسیالیست انقلابی حزب شما است، به آن پیوندید!

مشغله های کپک زده استاد طلبه در دانشگاه

صحرا صالحی

در دانشگاه استاد طلبه داریم، و مشغله های این استاد کمپک زده همه اش حول و حوش پایین تنه زنان و جایگاه زن در اسلام میچرخد. سرگرم ترویج یک ایدئولوژی مرتجع و ضد زن هستند. هر چند آب گندیده این افکار از رهبر و دولت و کل سیستم سرازیر میگردند اما به شدت برای ما آزار دهنده است. وقتی درس تاریخ را تدریس میکند سر کلاس فقط تبلیغ میکند برای اینکه در اسلام ۴ تا زن گرفتن مجازه، سیغیه ی یک روزه و حتی یک ساعته مجازه !!!، از این قبیل مزخرفات. این رواج درس فحشاگری نیست چیست پس؟؟؟ اینها از سوی ادعا میکنند در قران حقوق زن و مرد مساویست، البته روشن است که نیست، اما اگر چنین است و انقدر خود را معتقد به قران و آیات ان میدانند چرا به آن عمل نمیکنند! و چرا رودرو به ما میگویند چهار زن برابر است با یک مرد؟! این شود برابری زن و مرد در قران؟؟

اگر قران و عدالت شما چنین برابر طلب است پس این همه ظلم را کی اعمال میکند، پس چرا جوانان کشور من دچار تزلزل شده اند و همه متفرق از دین شده اند... با این حال مشروب خوردن را گناه میپندارند رابطه ی دو عاشق را گناه میپندارند و دم ازنا محرم بودن حرام بودن میزنند. تا چه حدی ارزش یکزن را پایین آوردند و از وی باید سو استفاده نمود و از نظر روحی و جسمی مورد سرکوب و سو استفاده قرار ببرد؟

آری کشور من همان جایبست که زنان هیچ ارزشی ندارند و

روبیای گمشده دختران ایرانی!
کتایون خزعلی، دبیر زبان انگلیسی
روزنامه روزان، ۱۱ آبان ۹۶

یک موضوع که در کلاس درس بعنوان انشاء استفاده میکنم «یک روز رویایی یا dream day هست که بعنوان تایپیک به دانش آموزان میدهم، جهت نوشتن یک انشاء به زبان انگلیسی برای آموزش مهارت نوشتاری (writing) که البته همیشه هم با استقبال دانش آموزان مواجه میشود.

امروز در یک کلاس در مدرسه فرزائگان، این موضوع را به دانش آموزان دادم، و با انشایی مواجه شدم که دلم می خواست به حال دختران نخبه ی جامعه ام گریه کنم.

یک دانش آموز، بهترین و رویایی ترین روز خود را به این شکل توصیف کرده بود: «من دلم میخواهد یک روز با لباس ورزشی بیرون بروم و توپ بازی کنم و بعد از آن دوچرخه خود را بردارم و با دوستانم به پارک بروم و با صدای بلند بخندم و شادی کنم، بدون اینکه کسی به من بگوید تو دختری! چرا توپ بازی میکنی؟! یا بگوید تو دختری چرا دوچرخه سواری میکنی؟! و بدون اینکه نگران نگاههای جنسیتی باشم و ترس از جنس مخالف را داشته باشم».

دانش آموزی که در آزمون سمپاد پذیرفته شده، بجای داشتن آرزوهای بزرگ، آرزوی داشتن یک روز شاد را دارد. همه ی ما با دانش آموزانی افسرده مواجه ایم که بهانه ی شاد بودن را گم کرده اند و شاد بودن را یاد نگرفته اند.

در دنیایی که آرزوی نوجوانان رفتن به فضا و کره مریخ و ماه است، در کشور من آرزوی یک دختر نخبه، آزادی و داشتن آرامش و شادی در جامعه است. تبعیض بین دختر و پسر و فاصله ای که برای این دو جنس قائل شده اند گ، چه بر سر این نوجوانان آورده است؟ واقعاً جای تأسف دارد که این تبعیض روز به روز بیشتر و بیشتر میشود تا جاییکه بحث جدا کردن دختر و پسر در دانشگاه بر سر زبانهاست. وقتی شادی برای بچه های این سرزمین به یک آرزوی محال تبدیل شود، چه انتظاری میتوان از این بچه ها داشت برای آینده ی این کشور؟!

مدارس که از محیط شاد برخوردار نیستند، در جامعه هم که بهانه ای برای شادی ندارند، پس باید منتظر یک جامعه ی افسرده باشیم.

به قول قیصر امین پور:

این روزها که می گذرد ،

شادم...

این روزها که می گذرد ،

شادم...

این روزها شادم که می گذرد!

سلامت جامعه در گرو سلامت مردم است، و مردمی که شاد نیستند یقیناً سالم نیستند چون روح و روان که سالم نباشد جسم هم سالم نخواهد بود.

داشتن جامعه ای شاد برای دختران ، کار سختی نیست اگر نگاهمان را اندکی تغییر دهیم.

فقر در مملکت ما بیداد میکند. فقر نه فقط برای نداشتن و نخوردن بلکه فقر فرهنگی، فقر نیاندیشیدن. فقر مالی را شاید بتوان تحمل کرد ولی امان از فقر فرهنگی. انسان با فکر کردن، زنده است. به آینده ی دختران این مملکت بیاندیشیم. دخترانی که هر ساله رتبه های اول کنکور را از آن خود میکنند ولی در دل آرزوی شاد زیستن را دارند. تقویم ما برابری تعیین میکند چه تاریخی گریه کنیم، تلویزیون ما به ما آموزش میدهد چگونه گریه کنیم.

(بررفته از رسانه ها)

تماس با
حزب سوسیالیست انقلابی

iransocialist2017@gmail.com

زنده باد مبارزه رادیکال، سوسیالیستی و ضد مذهبی فرهنگیان!

نشریه شنبه ها**منتشر میشود**

روزهای شنبه هر هفته نشریه "سوسیالیسم امروز" منتشر میشود. آخرین زمان برای ارسال مطالب برای نشریه روزهای پنجشنبه هر هفته است.

موازین انتشار**مقالات در نشریه****سوسیالیسم امروز:**

- سردبیر در انتشار، رد و ویرایش مقالات آزاد است!
- مقالاتی در این نشریه منتشر میشوند که تنها برای این نشریه فرستاده شده باشد.
- مسئولیت مقالات با نویسندگان آن است.
- حداکثر حجم مطلب منتشره در نشریه دو صفحه آ ۴ با فونت ۱۲ میباشد.

مقالات و گزارشات خود را لطفاً به این آدرس ایمیل بفرستید:

S_zijji@yahoo.se

به ما کمک مالی کنید

از طریق این شماره حساب کمک های مالی خود را برای ما بفرستید.

SWEDEN
SEB BANK
50550056411

هر میزان از کمک مالی شما انسانهای مبارز و دلسوز مستقیماً به پیشرفت ما در جهت گسترش مبارزه خود برای آزادی و برابری و تداوم مبارزه همه جانبه تر خود به منظور سرنگونی جمهوری جنایتکار اسلام کمک فوری خواهد کرد.

**تقدیر و تشکر**

بدینوسیله از کلیه دوستانی که به وسیله تلفن - Fax - Sms - Facebook - viber - imo عزیزم در تاریخ 18.11.2017 برابر با 27.8.1996 در ایران و کشورهای مختلف در مراسم شرکت و با ما همدردی نمودند تشکر و قدر دانی مینمایم و از راه دور دست تک تک شماها را به گرمی میفشارم . درود بی پایان بر همگی شما .

ابراهیم باتمانی

پیام تسلیت حزب سوسیالیست انقلابی به رفیق ابراهیم باتمانی

در کمال تاسف و تألم باخبر شدیم که آقای حاتم باتمانی، پدر رفیق ابراهیم باتمانی عضو رهبری حزب سوسیالیست انقلابی ایران، دیروز صبح در گذشتند.

درگذشت بستگان بی تردید برای همه سنگین و اندوهگین است، اما برای نسلی از مبارزین انقلابی و کسانی که علیرغم میل خود و به دلیل وجود یک نظام جانی حاکم بر کشور، حتی در هنگام مرگ عزیزان چون پدر و مادر و دیگر بستگان امکان در کنار بودنشان را ندارند، به مراتب اندوهگین تر و سنگین تر است.

آقای حاتم باتمانی از زمره پدرازی بوده اند که علاوه بر رابطه و نقش پدری خود با فرزندان و اعضای خانواده اش، همزمان الگوی مقاومت و مبارزه و انسانیت و عدالت طلبی نیز بود برای آنها و کلیه کسانی که از دور و نزدیک او را میشناختند. از دوره مبارزه با زورگوییهای فنودالها و استبداد شاهنشاهی تا کل پروسه ۳۹ ساله حاکمیت ننگین رژیم سیاه اسلامی، همه شاهد استقامت، تسلیم ناپذیری، و مبارزه جوی علیه سرکوبگران و مستبدین و خصوصیات عدالت طلبانه آقای حاتم باتمانی بوده اند. او همواره حامی گرم مبارزه انقلابی و سوسیالیستی فرزند خود، رفیق ابراهیم باتمانی، در میدان مبارزه انقلابی علیه رژیم فاشیست اسلامی و سرمایه داران و علیه ارتجاع مذهبی نیز بوده است.

آقای حاتم باتمانی مناسفانه درگذشت، اما یاد زندگی افتخار آمیز و تلاشهای انسانی او همچنان گرامی و زنده باقی خواهد ماند.

از جانب شورای رهبری حزب سوسیالیست انقلابی وقوع این رویداد ناگوار و درگذشت اندوهگین پدر عزیزمان آقای حاتم باتمانی را به همسنگر مبارز و کمونیست دیرینه خود در رهبری حزب، رفیق ابراهیم باتمانی، به بستگان و خانواده محترم شان تسلیت گفته و برای کلیه بازماندگان آن عزیز از دست رفته آرزوی صبر و سلامتی دارم. یاد عزیز آقای حاتم باتمانی گرامی باد!

با احترام!

سلام زیجی

دبیر شورای رهبری حزب سوسیالیست انقلابی ایران

iransocialist2017@gmail.com

۲۸ آبان ۱۳۹۶

۱۹ نوامبر ۲۰۱۷

اخراج و بیکار سازی موقوف!